

گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در ایران معاصر: نگرشی آسیب‌شناختی

* مهدی صالحی

** محمد مسجدجامعی

*** احمد مقری

چکیده

در نیم قرن اخیر، وقایعی مانند تغییر منظر رسمی کلیسای کاتولیک در شورای واتیکانی دو، تشکیل شورای جهانی کلیساها و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی در ایران در رشد و گسترش گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت نقش برجسته‌ای داشته است. علی‌رغم پیشرفت‌های حاصل شده در این زمینه، کماکان معضلات و موانعی در مسیر رسیدن به گفت‌وگوی مطلوب وجود دارد. نظر به اینکه ایران در دوران معاصر بیشترین سهم را در گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در منطقه داشته، آسیب‌شناسی کارنامه گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در ایران معاصر ضروری است. مقاله حاضر می‌کوشد با نگاهی به گفت‌وگوهای مهم اسلام و مسیحیت در ایران معاصر، نقدها و کاستی‌های آن را به بحث بگذارد. این پژوهش مبتنی بر روش تحقیق کیفی است و از رویکرد توصیفی-تحلیلی بهره می‌برد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت در ایران معاصر، به رغم دستاوردهای نسبی آن، با نقدهایی مواجه بوده است.

کلیدواژه‌ها: گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت، ایران معاصر، وضعیت پژوهی، آسیب‌شناسی.

* دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول) salehi1979@gmail.com

** استادیار گروه مطالعات خاورمیانه، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه moh.mja@gmail.com

*** دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب قم moghri.a@gmail.com

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۴]

مقدمه

اسلام و مسیحیت در مقایسه با سایر ادیان جهان، پیروان بیشتری دارند. از این رو هر گونه تفاهمی میان این دو دین بزرگ، نقش مؤثری در گفت‌وگوی ملل مختلف جهان دارد و می‌تواند به فهم عمیق‌تر پیروان ادیان و زندگی مسالمت‌آمیز ملت‌ها یاری رساند. امروزه ضرورت گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت به نحو عام پذیرفته شده است. در نیم قرن اخیر، گفت‌وگو میان اسلام و مسیحیت از نهری کوچک به رودخانه‌ای خروشان تبدیل شده و از گردهمایی‌های اتفاقی به نشست‌های متعدد، مراسلات کتبی و گفت‌وگوهای شفاهی و میزگردهایی که در طول سال تقریباً در هر گوشه کره زمین برگزار می‌شود، تغییر شکل داده است (نصر، ۱۳۸۳: ۹۲). از سوی دیگر، به باور بسیاری از صاحب‌نظران، فضای حاکم بر گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای بوده است که می‌توان به پیش‌گامی ایران در منطقه اذعان کرد (نک: رسولی‌پور، بی‌تا) و به تأثیرگذاری آن بر مناسبات اسلام و مسیحیت در جهان و تبدیل شدن به یکی از قطب‌های جهانی گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت امید بست (میردامادی، بی‌تا).

تا پیش از انقلاب اسلامی، اگر گفت‌وگویی بین اسلام و مسیحیت انجام می‌شد، عمدتاً فردی و بریده از فضای حاکم بر جامعه ایران بود (طاهری آکردی، ۱۳۸۷: ۲۵۵). اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به موازات نشست‌های منظمی که به همت واتیکان و شورای جهانی کلیساها در جهان مسیحیت سازماندهی شد، مؤسسات و مراکزی در ایران ضمن حضور فعال در آن نشست‌ها، متولی برگزاری و پیگیری گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در جهان اسلام شدند. ویژگی‌های بارز دوران گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت پس از انقلاب اسلامی عبارت‌اند از: برخاستن صاحب‌نظران گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت، شکل‌گیری ادبیات گفت‌وگو در قالب تألیف و ترجمه، تأسیس مؤسسات و مراکز دولتی و غیردولتی متولی گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت، و به‌ویژه برپایی نشست‌ها و همایش‌های گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت با مشارکت طرف ایرانی یا به میزبانی آن.

به رغم آنچه گفته شد، تاکنون بررسی کارنامه عملکرد ایران معاصر در عرصه گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در دستور کار پژوهشگران قرار نگرفته است؛ موضوعی که نوشتار حاضر درصدد بررسی آن است.

۱. پیشینه پژوهش

مناسبات اسلام و مسیحیت، به عنوان دو دین متکی به وحی، معتقد به توحید و منتسب به حضرت ابراهیم (ع)، همیشه آن‌گونه که انتظار می‌رفته توأم با رواداری و خویش‌داری نبوده است. ناشکیبایی‌هایی که پیروان این دو دین در برخی مقاطع تاریخ از خود بروز داده‌اند بیش از آنکه در تعالیم این ادیان ریشه داشته باشد، ناشی از انحصارگرایی برخی از نهادهای دینی و دخالت قدرت‌های سیاسی بوده است.

در نگاهی کلی، محورهای مهم حاکم بر روابط اسلام و مسیحیت و عوامل متشنج‌شدن آن در طول تاریخ را می‌توان در دو عنوان جای داد: نخست رسالت جهانی اسلام و مسیحیت، و دیگری انگیزه‌های اعتقادی مواجهه در هر یک از این دو دین (غراب، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۵). این دو اصل کلی، تاریخی از مناقشات و روابط تنش‌آلود را میان مسلمانان و مسیحیان در پی داشته است که بارزترین نمود آن در ادبیات ردیه‌نگاری و جدل‌نویسی بازتاب یافته است.

ادبیات ردیه‌نویسی عمدتاً در قرن سوم هجری (نهم میلادی) رواج یافت، تا آنجا که از قرن چهارم هجری به بعد در اغلب آثار متکلمان، فصل یا فصولی به رد مسیحیت اختصاص یافت (السید، ۱۳۸۳ ب: ۷۹). دوره جدید مجادلات مسیحی-اسلامی را کارل فاندرو و رحمت‌الله عثمانی هندی، در قرن نوزدهم میلادی، آغاز کردند (السید، ۱۳۸۳ الف: ۲۲۸). با این همه، از میراث طولانی ردیه‌نویسی و جدال اعتقادی، بیشترین چیزی که عاید مسیحیان و مسلمانان شد، شکل‌گرفتن ذهنیت‌های بسته و تغییرناپذیر، حساس‌شدن هر کدام از دو طرف به ضعف‌ها و نقاط تأمل‌برانگیز طرف مقابل، و در نهایت گم‌شدن راه‌های تفاهم، وجوه مشترک و زمینه‌های تعامل بود.

نقطه عطف روابط اسلام و مسیحیت در تاریخ معاصر با شورای واتیکانی دوم پیوندی وثیق دارد. در خلال این شورای جهانی رویکرد خصمانه کلیسا در برابر دیگر ادیان، به‌ویژه اسلام، تا اندازه‌ای تعدیل یافت (Michael, 2011: 69). این شورا از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ ادامه داشت و هدف آن نوسازی کلیسای کاتولیک به مقتضای نیازهای عصر جدید بود. در این شورا اسقفانی از تمام مناطق جهان شرکت کردند. همچنین، ناظرانی از کلیساهای ارتدوکس و پروتستان و مهمانانی از پیروان اسلام، یهودیت و ادیان دیگر حضور داشتند.

موضع شورای مذکور درباره اسلام در بیانیه «رابطه کلیسا با ادیان غیرمسیحی» از سوی پاپ پل ششم در ۱۹۶۵ اعلان رسمی شد. کلیسای مسیحی، که از آغاز ظهور اسلام تا دهه شصت میلادی از به رسمیت شناختن مسلمانان سر باز می‌زد، سرانجام در بیانیه مذکور مسلمانان را محترم دانست و با اشاره به برخی باورهای دینی آنان که با مسیحیت مشترک است از مسلمانان و مسیحیان خواست اختلافات و دشمنی‌های گذشته را فراموش کنند و همگی با اخلاص برای حفظ و تقویت عدالت اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی، صلح و آزادی بکوشند (*Declaration on the Relation of the Church see: to non-christian religions - Nostra Aetate, 1965: n. 3*).

بخش مربوط به اسلام در سند یادشده، نخستین منبع کلیسایی است که در آن موضوع مسلمانان رسماً بررسی می‌شود. خلاصه‌ای از آنچه در این سند مطرح شده چنین است:

- مسیحیان باید به مسلمانان به دیده احترام بنگرند و آنان را ارج نهند؛
 - مسلمانان و مسیحیان خدای واحدی را می‌پرستند که آفریدگار آسمان و زمین، توانا و مهربان است و با بشر سخن گفته است؛
 - مسلمانان و مسیحیان به یکسان می‌کوشند تسلیم فرمان‌های او باشند؛
 - هر دو گروه ایمان خود را به ایمان ابراهیم استناد می‌دهند؛
 - مسلمانان و مسیحیان در انتظار روز داوری و رستخیز مردگان هستند (*Ibid.*).
- اظهارنظر شورای واتیکانی دوم درباره اسلام چنین خاتمه می‌یابد:
- از آنجا که در طول قرن‌های گذشته درگیری‌ها و دشمنی‌های زیادی بین مسیحیان و مسلمانان پدید آمده است، شورا مؤکداً از همه می‌خواهد گذشته را به فراموشی بسپارند و صمیمانه به تفاهم گرایش پیدا کنند و با یکدیگر برای حفظ و تقویت صلح، آزادی، عدالت اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی به سود همه افراد بشر بکوشند (*Ibid.*).

در سال ۱۹۶۵، پاپ پل ششم در واتیکان، دبیرخانه گفت‌وگوی ادیان را تأسیس کرد و پس از آن کمیته‌ای را برای گفت‌وگو با مسلمانان به آن افزود. از اهداف آن کمیته، تقویت احترام متقابل و ایجاد تفاهم میان مسیحیان و مسلمانان از طریق سخنرانی‌های علمی و مطالعه طرح‌های مشترک در زمینه مسائل اجتماعی و موضوعات مربوط به

توسعه و اخلاق است (میشل، ۱۳۸۷: ۱۱۲-۱۱۳). در پی این تحول بنیادین، واتیکان، که تا پیش از این رستگاری را منحصرأ در اختیار کلیسا می‌پنداشت (Sullivan, 2002: 47)، باب گفت‌وگو با پیروان دیگر ادیان را گشود و دبیرخانه‌ای را برای گفت‌وگو با پیروان دیگر ادیان تأسیس کرد. از این تاریخ به بعد، گفت‌وگو با مسلمانان به‌جد در دستور کار واتیکان قرار گرفت. ارتدوکس‌ها و برخی از فرقه‌های پروتستانی نیز از گفت‌وگو با مسلمانان استقبال کردند. تاکنون نشست‌های مختلفی میان مسلمانان و مسیحیان برگزار شده است.

در ایران نیز، پس از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، مراکز گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت بسیار فعال بوده‌اند. دبیرخانه گفت‌وگوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات، که اینک به مرکز گفت‌وگوی ادیان تغییر نام یافته، در این عرصه پیش‌گام بوده است. مؤسسه گفت‌وگوی ادیان، مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و دانشگاه ادیان و مذاهب نیز برخاسته از بستر فرهنگی ایران پس از انقلاب است که هر یک گام‌های مؤثری در راستای پیش‌برد گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت برداشته‌اند.

۲. چارچوب نظری

۲.۱. مفهوم‌شناسی

واژه dialogue (گفت‌وگو) از لحاظ لغوی به معنای «مکالمه» یا «گفت‌وشنود» است؛ با این حال در تاریخ عقلانی غرب، معنای غالب آن عبارت است از: «قطعه یا نوشتاری که در قالب گفت‌وگو شکل گرفته است» (شارپ، ۱۳۸۶: ۳۳). گرچه با تورق در تاریخ گذشته می‌توان نمونه‌های موفق‌تری از مواجهه مسالمت‌آمیز و دوستانه میان ادیان مختلف یا پیروان آنها سراغ گرفت، اما امروزه بسیاری معتقدند گفت‌وگوی ادیان مسئله‌ای مدرن است و با نمونه‌هایی که در دنیای پیشامدرن اتفاق افتاده است، تفاوت بنیادین دارد (Hedges, 2010: 59).

از اواسط قرن بیستم، مفهوم گفت‌وگو در توصیف ارتباط مناسب بین ادیان یا توصیه به چنین ارتباطی روزبه‌روز رایج‌تر شده است. از آن زمان ادیان عموماً به جای رقابت با یکدیگر بر سر قلمرو، پیروان یا دعاوی خود، مشی مصالحه‌جویانه‌تر و سازنده‌تری را با یکدیگر در پیش گرفته‌اند و در برنامه‌های اجتماعی درباره مسائل دینی مشترک، تبادل نظر و همکاری می‌کنند (Cornille, 2013: xii). در رویارویی پیروان سنن دینی مختلف،

کلمه «گفت‌وگو» استفاده‌های گوناگونی دارد، از جمله: هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و مبادله‌های دوستانه، درگیری فعال و جاری با آموزه‌ها و آداب دینی دیگران، همکاری برای ایجاد تغییر اجتماعی و برپا داشتن عبادات رایج و تشریفات مذهبی دیگران (Ibid.: 20).

تعاریفی که از گفت‌وگوی ادیبان بیان می‌شود به تناسب رویکردها و رهیافت‌های متفاوتی که در این حوزه اتخاذ می‌گردد، متفاوت است. لئونارد سویدلر (Leonard Swidler)^۱ که از صاحب‌نظران برجسته در حوزه گفت‌وگوی ادیبان به شمار می‌رود، با مبنا قرار دادن معنای عام گفت‌وگو، این تعریف را پیشنهاد کرده است:

گفت‌وگوی ادیبان، گفت‌وشنود میان افرادی (و از طریق ایشان، میان دو یا چند اجتماع یا گروه) است که دیدگاه‌های متفاوتی دارند. مقصود اصلی از این مواجهه برای هر یک از طرفین گفت‌وگو، فراگرفتن از دیگری است. بدین ترتیب شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو و گروه یا اجتماع مرتبط با ایشان قادر به تغییر و رشد خواهند بود (Beverluis, 2000: 138).

در پژوهش حاضر، معنایی فراگیر از گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت مد نظر داریم. اگر گفت‌وگو را هر گونه تبادل معنا یا نشانه‌های معنایی بدانیم، گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت یعنی هر گونه تبادل یا داد و ستد اجزا و عناصر دینی متعلق به اسلام و مسیحیت که همراه است با: ۱. آگاهی از تعدد و تنوع دینی یا وجود ادیان مختلف؛ ۲. نقد و نقدپذیری دینی؛ ۳. هم‌زیستی و تعامل دینی. به بیان دیگر، داد و ستدها یا مبادلاتی مصداق گفت‌وگوی دینی هستند که میزان آگاهی از وجود فرهنگ‌های دیگر، نقد و نقدپذیری دینی و هم‌زیستی و تعامل دینی را افزایش دهند.

۲.۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، از سنخ پژوهش‌های اکتشافی به شمار می‌رود. از این‌رو نگارنده آزمودن یک یا چند فرضیه معین در این حوزه مطالعاتی را در دستور کار خود قرار نداده است، بلکه با هدف اکتشاف روابط و الگوهای حاکم بر پدیده‌ها به توصیف، جمع‌آوری داده‌های مرتبط و تحلیل آنها می‌پردازد.

در پژوهش کیفی از طرح پرسش‌های از پیش تعیین‌شده اجتناب می‌شود (میرزایی، ۱۳۹۰: ۷۰). در حقیقت برای پژوهش‌های کیفی نمی‌توان پرسش مشخصی مطرح کرد. صاحب‌نظران روش تحقیق کیفی، بر این واقعیت تأکید کرده‌اند که استفاده از روش کیفی اغلب با پذیرش رهیافتی ساخت‌نیافته و انعطاف‌پذیر، همراه است. پژوهشگران کیفی ممکن است حتی بدون داشتن موضوع صریحاً صورت‌بندی‌شده یا بدون پرسش‌های شفاف و محصور، پژوهش خود را آغاز کنند (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۲۶). در این صورت، موضوع و پرسش‌های اصلی پژوهش همراه با پیشرفت تحقیق جلوه می‌کند و قوام می‌گیرد. پژوهش حاضر نیز به دلیل روش کیفی آن از این مسئله مستثنا نیست. این پژوهش مبتنی بر روش تحقیق کیفی و سیر حرکت آن به صورت ارگانیک است. لذا به جای آنکه پرسش‌ها و فرضیه‌های از پیش تعیین‌شده مسیر پژوهش را تعیین کنند، این روند پژوهش است که مسیر را تعیین و گاه کانون پژوهش را محدود می‌کند. غالباً تحقیق کیفی را هنر یا نوعی جهت‌گیری فکری می‌دانند (بی، ۱۳۸۸: ۶۲۴). در پژوهش حاضر از شیوه توصیفی، به عنوان یکی از ویژگی‌های ممتاز تحقیق کیفی، استفاده شده است.

۳. گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در ایران معاصر

پژوهش‌هایی که پیش‌تر در حوزه گفت‌وگوی ادیان در ایران صورت گرفته حاکی از آن است که سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها، مرکز گفت‌وگوی ادیان و دانشگاه ادیان و مذاهب از جمله نهادها و مراکز مهم گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در ایران معاصر به شمار می‌رود (Tavassoli, 2011: 86- see: 129). این در حالی است که از میان گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت که با مشارکت سازمان‌ها و مراکز پیش‌گفته برگزار شده، فقط تعداد اندکی از آنها منتشر شده است و آنچه موجود است بیشتر ناظر به گفت‌وگوهایی است که به همت مرکز گفت‌وگوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تشکیل شده است. از این‌رو تحلیل و آسیب‌شناسی گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در پژوهش حاضر با تأکید بر اسناد موجود و با تمرکز بر فعالیت مرکز گفت‌وگوی ادیان صورت گرفته است.

گفت‌وگوهای مهم اسلام و مسیحیت که تاکنون به همت مرکز گفت‌وگوی ادیان انجام شده عبارت‌اند از: نُه دور گفت‌وگوی دوجانبه با شورای پاپی گفت‌وگوی ادیان

واتیکان (۱۳۷۳-۱۳۹۳)؛ هفت دور گفت‌وگوی دوجانبه با شورای جهانی کلیساها (۱۳۷۴-۱۳۹۲)؛ نه دور گفت‌وگوی دوجانبه با کلیسای ارتدوکس روسیه (۱۳۷۳-۱۳۹۳)؛ پنج دور گفت‌وگوی دوجانبه با کلیسای ارتدوکس یونان (۱۳۶۹-۱۳۷۹)؛ شش دور گفت‌وگو با مؤسسه الاهیات ادیان سنت گابریل اتریش (۱۳۷۳-۱۳۹۴)؛ هفت دور گفت‌وگوی دوجانبه با شورای اسقفی کاتولیک فیلیپین (۲۰۰۵-۲۰۱۵)؛ و هشت دور گفت‌وگوی دوجانبه با کلیسای انگلیکن (۱۳۷۰-۱۳۹۴) (see: <http://www.cid.icro.ir>).

از دیگر گفت‌وگوهای دوجانبه اسلام و مسیحیت که در کارنامه فعالیت مرکز گفت‌وگوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات به چشم می‌خورد، می‌توان به گفت‌وگو با بنیاد جیووانی انجلی با موضوع «دین، جامعه و حکومت در ایران و ایتالیا»، گفت‌وگو با شورای اسقفی سوییس، گفت‌وگو با شورای کلیساهای خاورمیانه، گفت‌وگو با جامعه آشوریان و ... اشاره کرد. کثرت‌گرایی دینی، عدالت، صلح جهانی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، نقش دین در جامعه، رابطه ایمان و عقل، جوانان، خانواده، جهانی‌شدن و مسائلی از این دست در این گفت‌وگوها مطرح و بررسی شده است (نک: حسینی میرصفی، ۱۳۸۴؛ اکرمی، ۱۳۸۰؛ قنبری و دیگران، ۱۳۸۰).

۴. درون‌مایه‌های اصلی گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت

۴.۱. همگرایی بر محور مسائل اجتماعی

پرداختن به دغدغه‌ها و مسائل اجتماعی، نظیر محیط زیست، فقر، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، افراط‌گرایی، خشونت دینی، تجارت انسان، همجنس‌گرایی، ایدز و ... همواره محور گفت‌وگوهای دوجانبه و چندجانبه طرفداران ادیان بوده است. گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت در ایران معاصر نیز از این حکم کلی مستثنا نیست. آثار منتشرشده^۲ از ادوار و نشست‌های متعدد گفت‌وگو، که به همت یا با مشارکت مرکز گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار شده، به رغم خالی‌بودن از بسیاری عناوین و مسائل مهم جهانی، حاکی از تمرکز بر مسائل اجتماعی است. این مدعا در سخنرانی افتتاحیه نخستین نشست اسلام و مسیحیت ارتدوکس به‌صراحت تأیید شده است: «اگر مسیحیت و اسلام خواهان آن‌اند که به انسان گم‌شده در جهان امروز کمک کنند، راهی جز این ندارند که بر معضلات و بحران‌های اجتماعی - سیاسی تمرکز کنند» (خاتمی، ۱۳۷۳: ۲).

این نکته را بارها در خلال گفت‌وگوهای اسلامی-مسیحی، اندیشمندان و صاحب‌نظران ایرانی حاضر در گفت‌وگوها بازگو کرده‌اند. چنان‌که محمد خاتمی در دور نخست گفت‌وگو با مسیحیت ارتدوکس از ضرورت پرداختن به معضلات اجتماعی و سیاسی سخن گفته و اولویت‌دادن به موضوعات کلامی و الاهیاتی را مایه انزوای ادیان در روزگار معاصر و دورافتادن از تعاملات ادیان دانسته است (همان: ۳). عبدالمجید میردامادی، رییس وقت مرکز گفت‌وگوی ادیان نیز در سخنرانی افتتاحیه دور نخست گفت‌وگو با مؤسسه سنت گابریل هدف از گفت‌وگوهای اسلامی-مسیحی را بهبود وضعیت اجتماعی و سیاسی پیروان این دو دین و دستیابی به «زمینه‌ای برای برآورده‌شدن اصل صلح و آشتی میان ملل جهان» (میردامادی، ۱۳۷۴: ۴) دانست.

برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان ایرانی در گفت‌وگوهای اسلامی-مسیحی نیز از لزوم توجه به مسائل عینی جوامع معاصر سخن گفته و اذعان داشته‌اند که فقط با تمرکز گفت‌وگوها بر مسائل عینی اجتماعی، می‌توان به ثمربخشی گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت امیدوار بود، حال آنکه فایده‌ای بر گفت‌وگوهای کلامی و الاهیات‌محور مترتب نیست (نک: واعظی، ۱۳۸۳). تأکید بر مسائل اجتماعی و سیاسی در گفت‌وگوهای اسلامی-مسیحی ایران معاصر تا آنجا بوده است که گاه طرفین گفت‌وگو به فاصله‌گرفتن از مرزهای گفت‌وگوی بین‌الادیانی و در افتادن به ورطه بحث‌های علمی صرف اذعان کرده‌اند (میردامادی، ۱۳۷۴: ۱۸۱).

یکی از وجوه محوریت مسائل اجتماعی و معضلات ملموس و عینی روزگار معاصر در گفت‌وگوهای اسلامی-مسیحی، اعتقاد راسخ مشارکت‌کنندگان ایرانی به این مسئله است که اسلام، خاصه با قرائت اهل بیت (ع) برای معضلات مهمی که انسان معاصر با آن دست به‌گریبان شده و در حل آن وامانده است، راهکارها و نسخه‌های رهایی‌بخشی دارد که باید آنها را به گوش دیگران هم رساند. به تعبیر دیگر، واماندگی بشر در برابر معضلات جهان معاصر، ظرفیتی ممتاز برای معرفی اسلام پدید آورده است که در گفت‌وگوهای اسلامی-مسیحی می‌توان از آن بهره گرفت. با این حساب تمرکز گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت بر معضلات اجتماعی، که مهم‌ترین دغدغه جوامع معاصر است، فرصت بیشتری برای معرفی تعالیم و آموزه‌های اسلام در اختیار طرف ایرانی گفت‌وگوهای اسلامی-مسیحی قرار خواهد داد.

۴. ۲. تأکید بر آموزه‌های مشترک

گرچه در تحلیل مبانی قرآنی گفت‌وگوی ادیان عموماً به آیه ۶۴ سوره آل عمران استناد شده، که اهل کتاب را به سوی «کلمه سواء» فرا خوانده است،^۳ اما در بیشتر گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی، شرکت‌کنندگان ایرانی بر وحدت بنیادین و زمینه‌های مشترک ادیان الهی، به مثابه باوری قرآنی برای خویشاوندی و تعامل ادیان تأکید کرده‌اند. از این منظر، تمام ادیان الهی منبع و خاستگاه واحدی دارند و پیام مشترکی در اختیار بشر نهاده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۰ ب: ۴۹). از این رو «شرط نخست ثمربخشی و کامیابی گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت، درک این حقیقت است که ورای تکثر و مظاهر متفاوتی که ادیان به اقتضای شرایط زمان و مکان پذیرفته‌اند، جوهری یگانه نهفته است که نشان از همگرایی و اشتراک ذاتی ادیان دارد» (see: The First International Symposium on Orthodoxy and Islam, 1994: 34-45).

نمونه مناسبی از این تلاش مستمر برای یافتن زمینه‌های مشترک میان اسلام و مسیحیت را می‌توان در اجلاس دوجانبه مرکز گفت‌وگوی ادیان و شورای جهانی کلیساها تحت عنوان «دین و دنیای معاصر» مشاهده کرد. در این نشست، اکثریت قاطع صاحب‌نظران مسلمان و مسیحی به نوعی درصدد بازشناسی و تبیین زمینه‌های مشترک میان دو دین برآمده بودند و مباحث خود را بر این پایه مبتنی کردند. اعضای هیئت ایرانی حاضر در این گفت‌وگوها وحدت ذاتی ادیان (رشاد، ۱۳۷۴: ۲۵-۲۸) و اصول اعتقادی و آموزه‌های اخلاقی مشترک (جناتی، ۱۳۸۰: ۹۶) را مبنایی برای گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت قرار دادند و آیه ۶۴ سوره آل عمران را، که اشاره به زمینه‌های مشترک ادیان ابراهیمی دارد، به مثابه دریچه‌ای برای ورود به شرایط و قواعد گفت‌وگوی مسلمانان و مسیحیان برشمردند (رشاد، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

به همین دلیل است که طرف ایرانی در گفت‌وگو با شورای جهانی کلیساها غایت ادیان الهی را نزدیک کردن قلب‌های آدمیان به یکدیگر دانسته است که در برادری همه انسان‌ها و اتحاد آنها در خانواده‌ای به وسعت جهان ریشه دارد. از این رو باید گفت میان اسلام و مسیحیت «که زیر چتر واحد آیین ابراهیمی اشتراکات بسیار دارند (خامنه‌ای، ۱۳۸۰ الف: ۱۸)، در اصولی مانند مبدأ و معاد و اخلاق، اصلاً اختلافی وجود ندارد» (جناتی، ۱۳۸۰: ۹۶). این اظهارات اعضای هیئت ایرانی در گفت‌وگوهای اسلام و

مسیحیت حاکی از تمرکز حداکثری بر مشابهات و مشترکات اسلام و مسیحیت است که می‌تواند به توسعه همگرایی مسلمانان و مسیحیان و تعمیق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز آنها منجر شود.

۴.۳. جبهه‌گیری در برابر الحاد و سکولاریزم

از دیگر درون‌مایه‌های گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی، جبهه‌گیری در برابر الحاد، سکولاریزم، جهانی‌سازی و تهاجم غرب است که در ادوار مختلف این گفت‌وگوها مشهود است. اساساً به نظر می‌رسد یکی از منافع در محوریت‌دادن به مسائل سیاسی و اجتماعی در گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی، به‌ویژه مسیحیت ارتدوکس، فراهم‌آوردن زمینه‌ای برای موضع‌گیری علیه غرب و استیلای فرهنگ غربی بوده است. آنچه این مدعا را به واقع نزدیک‌تر می‌کند، همگرایی مسیحیت ارتدوکس با گفت‌وگوکنندگان ایرانی در موضع‌گیری قاطع علیه جهانی‌سازی و سکولاریزم غربی است که در گفت‌وگوهای دوجانبه ظهور یافته است (see: The First International Symposium on Orthodoxy and Islam, 1994).

در واقع، دغدغه کلیدی بسیاری از مشارکت‌کنندگان ارتدوکس در گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی تا اندازه‌ای متفاوت بوده است. کلیساهای ارتدوکس، اعم از روسیه و یونان، نوعاً دل‌نگران تأثیرات و پیامدهای جهانی‌شدن و تهدیدهای ناشی از سیطره عرفی‌گرایی و فرهنگ سکولار غربی بر جوامع و کلیساهای سنتی خود بوده‌اند. از این‌رو، به طرف ایرانی این گفت‌وگوها به چشم هم‌پیمانانی در برابر تهاجم روزافزون فرهنگ غربی می‌نگریستند.

گرچه اظهارات و موضع‌گیری‌های صریح علیه الحاد و سکولاریزم مغرب‌زمین در گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی شایع نیست، اما رگه‌های ملایمی از این جبهه‌گیری در پس بسیاری از گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت وجود دارد. محمدعلی تسخیری نیز در سخنان خود در نشست دوجانبه با شورای جهانی کلیساها به این نکته اشاره کرده است. وی با استناد به عبارت قرآنی «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ» (انفال: ۷۳)، خاطر نشان می‌کند که «اگر جبهه ضد دین متحد شد و ولایت مشترکی داشت، شما آقایانی که معتقد به توحید الهی و ادیان الهی ابراهیمی هستید باید جبهه مشترکی تشکیل دهید. اگر شما جبهه مشترک تشکیل ندادید، آنها غلبه

خواهند کرد و فساد در کل زمین منتشر خواهد شد» (تسخیری، ۱۳۸۰: ۲). همچنین در پیام سید علی خامنه‌ای به سومین نشست اسلام و مسیحیت ارتدوکس نیز بر لزوم موضع‌گیری مشترک اسلام و مسیحیت در برابر تهاجم مادی‌گری در جهان تأکید شده است (فرخجسته، ۱۳۷۴: ۱).

تأکید طرفین گفت‌وگو بر جبهه‌گیری مشترک در برابر الحاد، سکولاریزم و تهاجم غرب تا اندازه‌ای است که در بیانیه‌های پایانی برخی گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی نیز بدان تصریح شده است. مثلاً در نخستین بند از بندهای نه‌گانه بیانیه پایانی نشست مرکز گفت‌وگوی ادیان با شورای جهانی کلیساها درباره موضوع دین و دنیای معاصر، بر ضرورت اتحاد اسلام و مسیحیت در برابر امواج سکولاریزم و معنویت‌گریزی انسان معاصر تأکید شده است. بند چهارم این بیانیه نیز، بر لزوم همکاری ادیان برای مقابله با امواج جهانی‌سازی تأکید می‌کند (اکرمی، ۱۳۸۰: ۱۵۸-۱۵۹).

۵. بررسی و نقد گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت

آنچه در طول برگزاری نشست‌ها و همایش‌های گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در چهار دهه گذشته ایران اتفاق افتاده، گویای آن است که قالب سنتی مناظرات کلامی مسلمانان و مسیحیان در خلال ادوار متعدد گفت‌وگو، تا اندازه‌ای تغییر کرده است. تا آنجا که برخی صاحب‌نظران این عرصه یکی از دستاوردهای گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی را تغییر درک و برداشت بسیاری از مسلمانان مشارکت‌کننده در این گفت‌وگوها، از تعالیم و آموزه‌های مسیحی، به‌ویژه مفاهیم بنیادی آن، دانسته‌اند (Tavassoli, 2011: 112). بنابراین، به تبع گفت‌وگوهای صورت‌گرفته با طرف مسیحی، شماری از اندیشمندان شیعه، دیگر تثلیث مسیحی را مساوی با شرک نمی‌دانند بلکه دریافته‌اند که این مفهوم نزد مسیحیان، آموزه‌ای رمزآلود است که قابلیت همنشینی با آموزه توحید را دارد. چنان‌که مشابه این اعتقاد در میان عرفای مسلمان نیز دیده شده است (محقق داماد، به نقل از: ibid.).

نکته درخور توجه دیگر در این گفت‌وگوها، ظرفیت به رسمیت شناختن مدعیات صدق ادیان دیگر است. مشارکت‌کنندگان در این گفت‌وگوها مطلق‌باوری و انحصارگرایی پیروان اسلام و مسیحیت را نقد کرده و راه را برای اعتقاد به حقانیت نسبی ادیان دیگر گشوده‌اند (جناتی، ۱۳۸۰: ۹۱). با این حال، به رغم دستاوردهای نسبی،

گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی در ایران معاصر کاستی‌هایی دارد و انتقاداتی به آن وارد است که به‌ندرت در بیان صاحب‌نظران و اندیشمندان این عرصه بازتاب یافته است. در ادامه برخی از نقدهای مهم ناظر به این عرصه بررسی می‌شود.

۵. ۱. هدف‌گذاری تبلیغی

گرچه اقدامات گروه‌های مسیحی به منظور تکوین و بسط گفت‌وگوی ادیان اغلب از سوی مسلمانان به داشتن انگیزه‌های پنهانی تبشیری متهم بوده است (Smith, 2007: 92)، اما لزوم تفکیک میان قلمرو گفت‌وگوی ادیان و عرصه تبلیغ و تبشیر دینی، به‌ویژه در دو دهه اخیر، دغدغه مهمی بوده است و صاحب‌نظران گفت‌وگوی ادیان در آمیختن این دو با یکدیگر را معضلی جدی در برابر گفت‌وگوی راستین دانسته‌اند. از این‌رو گفت‌وگوی ادیان دیگر تمهیدی برای تبلیغ دین خود یا سرپوشی بر دعوت دینی شمرده نمی‌شود (Brown, 2013: 9).

امروزه صاحب‌نظران گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت مهم‌ترین هدف این گفت‌وگوها را پذیرش متقابل و جاهت و حجیت سنت دینی دیگری به مثابه دیانتی الهی و الهامی، از سوی هر یک از مسلمانان و مسیحیان حاضر در گفت‌وگو می‌دانند (Ayoub, 2004: 315). مراد از «پذیرش متقابل» در گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت صرفاً آشنایی مسلمانان و مسیحیان با یکدیگر و پذیرش همدیگر به عنوان انسان یا همسایه نیست، بلکه مسلمانان و مسیحیان باید همدیگر را دوست و شریک خود بدانند و برای دستیابی به عدالت سیاسی و اجتماعی، تعادل الاهیاتی و کلامی و اعتلای معنوی در راه رسیدن به خداوند، که هدف غایی هر دو دین است، با یکدیگر تشریک مساعی کنند.

دومین هدف گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت «احترام حقیقی و صمیمانه به دین یکدیگر» است که شامل آموزه‌ها، باورها، اصول اخلاقی، ارزش‌های اجتماعی و ابعاد سیاسی هر دو دین می‌شود (Ibid.). هدف گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت آن است که مسلمانان و مسیحیان، یکدیگر را به چشم طرف گفت‌وگوی خود ببینند، نه آنکه همدیگر را همچون رقیب و مخالف دینی در نظر بگیرند. به عبارت دیگر، دو طرف بپذیرند که اسلام و مسیحیت هر دو، واجد حقایق و منابع معنوی و اخلاقی هستند و پیروانشان را به رستگاری رهنمون می‌شوند (Ibid.).

سومین هدف گفت‌وگو فراهم آوردن زمینه‌ای برای خودانکشافی اسلام و مسیحیت است. در واقع، گفت‌وگو باید مانع آن شود که هر یک از طرفین، دیگری را بر مبنای دانسته‌ها و پیش‌داوری‌های خود درک کند: «مسلمانان نباید درباره مسیحیان کنونی فقط بر مبنای منابع اسلامی قضاوت کنند، بلکه باید مسیحیت را بر اساس منابع مسیحی بشناسد و به شناختی از مسیحیت نائل آیند که از سوی مسیحیان نیز مقبول باشد» (Ibid.: 316).

این در حالی است که هدف غایی متولیان رسمی گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی در ایران معاصر بیش از آنکه ناظر به شناخت و پذیرش دیگری و بازخوانی و انکشاف سنت دینی خود باشد، معطوف به «ابلاغ اسلام و تبیین تشیع» بوده است. متولیان مرکز گفت‌وگوی ادیان معتقد بوده‌اند «برای انجام گفت‌وگوهای دینی جز در راستا و برای امر تبلیغ دینی به عنوان دال مرکزی قضیه هیچ وجه شرعی و عقلی وجود ندارد و این خود وسیله‌ای برای ابلاغ اسلام و تبیین مکتب اهل البیت (ع) به شماره می‌رود» (نک: میردامادی، ۱۳۹۰). عبدالمجید میردامادی، رئیس اسبق مرکز گفت‌وگوی ادیان، اهداف گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت در ایران را چنین برمی‌شمرد: احیای سیرت نبوی و سنت ائمه اطهار (ع) و ابلاغ پیام وحیانی در قالب گفت‌وگو؛ زدودن ذهنیت‌های منفی و قضاوت‌های تاریخی از اسلام و مسلمانان؛ آشنایی با جریان مطالعات دینی و تطبیقی ادیان؛ ارتقای ظرفیت گفت‌وگوهای بیشتر در عرصه ارتباطات بین‌المللی؛ تلاش برای ایجاد و حفظ ایمان جمعی، تعهد دینداران و مسئولیت‌پذیری دینی؛ و ... (همان).

گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی ایران در چند دهه اخیر تلاشی برای تأمین اهداف مذکور بوده است. حال آنکه امروزه اساساً هدف متعالی گفت‌وگوی ادیان را شناخت بهتر سنت دینی خود و دیگری و پذیرش تغییرهای متعاقب آن می‌دانند. به همین دلیل است که سویدلر سه مفهوم گفت‌وگو، شناخت و تغییر را به شکلی زنجیروار در کنار هم قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که پیوند این سه عنصر است که گفت‌وگوی ادیان را در موضع حقیقی آن می‌نشانند. اگر پیوند میان این سه عنصر گسسته شود، و اگر گفت‌وگوی ادیان به حلقه سوم (تغییر) منجر نشود، تحقق دو حلقه پیشین نیز با تردید مواجه است (Swidler & Mojzes, 1991: 34).

۵. ۲. کاستی در به رسمیت شناختن دیگری

کاستی دیگری که کمابیش با آسیب پیش‌گفته مرتبط است، غفلت از به رسمیت شناختن غیریت «دیگری» در گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی است. همان‌گونه که محمود ایوب در اشاره به موانع و معضله‌های گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی گفته است، «مشکل اصلی در این گفت‌وگوها ناتوانی ما در پذیرش دین دیگری بر وفق خوانش او است. مسلمانان، مسیحیتی را به رسمیت می‌شناسند که اسلامی شده است» (Ayoub, 2004: 318). در واقع، در این گفت‌وگوها مشارکت‌کنندگان کمتر تلاشی را برای فهم مسیحیت «از درون» انجام می‌دهند. در نتیجه خوانش مسیحیان از مسیحیت و به تعبیری به رسمیت شناختن دیگربودگی یا غیریت طرف مسیحی تا حدودی نادیده گرفته می‌شود.

همین مسئله یکی از دلایلی است که سبب شده در گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی چندان اقبالی به مباحث الاهیاتی و کلامی نشود، و بیشتر موضوعاتی مبنای گفت‌وگوی طرفین قرار گیرد که ناظر به دغدغه‌ها و مسائل اجتماعی است و هر دو دین با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. در واقع «مسلمانان تا اندازه‌ای گفت‌وگوی ادیان را ابزاری برای تبیین دین خود دانسته‌اند و بیش از آن، گفت‌وگو را فرصتی برای مواجهه با معضلات فزاینده الحاد و مادی‌گرایی می‌دانند. از این‌رو مسلمانان به گفت‌وگوهای الاهیاتی توجه کمتری داشته‌اند» (Siddiqui, 2011: 88).

این آسیب ناظر به رسالتی است که از گفت‌وگوی حقیقی انتظار می‌رود؛ گفت‌وگو آن است که «دیگری» را همان‌گونه که هست و بی‌آنکه «دیگربودگی» او را نادیده بگیریم یا آن را به مشابهت و همسانی سطحی فرو بکاهیم، بشناسیم. انگیزه اصلی برای پانهادن به عرصه گفت‌وگوی ادیان، کشف بیشتر و بهتر دین دیگر و پیروان آن است که رسیدن به معرفت و شناخت عمیق‌تری درباره سنت‌های دینی دیگر در دنیای تکثر دینی را فراهم می‌آورد. پیش‌فرض گفت‌وگوی ادیان تمایل برای ورود به فضای دینی «دیگری» است، و از این جهت گفت‌وگوی ادیان بیش از هر چیز مبتنی بر گشودگی در برابر دیگری و به رسمیت شناختن غیریت او است. حقیقت از دل داد و ستدهای تفسیری و پویای چنین گفت‌وگویی به منصف ظهور می‌رسد. حال آنکه چنین رویکردی به گفت‌وگوی ادیان کمتر در گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت معاصر وجود داشته است.

۵. ۳. اکتفا به سطوح نازل گفت‌وگو

برخی معتقدند هنوز گفت‌وگو در میان پیروان و عالمان ادیان جدی گرفته نشده است؛ برخی بدبینانه گفت‌وگو را شیوه‌ای نوین برای همان تبشیر و تبلیغ سنتی می‌دانند؛ و برخی دیگر نشست‌های گفت‌وگو را صوری، تشریفاتی و کم‌محتوا قلمداد می‌کنند. چه این تلقی‌ها درست باشد و چه نباشد، مسلمانان ناگزیر باید در این قلمرو وارد شوند و ضمن استقبال از گفت‌وگو، افرادی مسلط به مبانی اسلام، آشنا با مبانی مسیحیت و دارای مهارت در فنون و آداب گفت‌وگو را تربیت کنند تا بتوانند هماوردهای توانمندی در برابر نیروهای ورزیده و آموزش‌دیده مسیحی باشند.

با این حال، اکتفا به سطوح نازل گفت‌وگو و نرفتن به سمت سطوح عالی در گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی می‌تواند نقدی بر جریان گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی باشد (Smith, 2007: 134). در واقع، این نقد معطوف به برداشت ما از گفت‌وگو است. گفت‌وگو ممکن است مُد باشد و باید پذیرفت که تا حدی تلاش ما برای پیوستن به جریان گفت‌وگو، احتمالاً به این سبب است که گفت‌وگو به عنوان مُد جا افتاده است (Ibid.).

نوع دیگر نگاه به گفت‌وگو، گفت‌وگو به عنوان وسیله تبلیغ است (Muhammad Shafiq, 2007: 13). گفت‌وگو وسیله‌ای بسیار کارآ در تبلیغ، و ابزاری قوی‌تر از بحث و جدل است. در واقع، در گفت‌وگو، قبل از ارتباط زبانی، ارتباط عاطفی برقرار می‌شود و در این جو، بسیار بهتر از جو مقابله‌ای می‌توان در مسیر تبلیغ دین عمل کرد و تأثیر گذاشت. از این منظر می‌توان گفت شأن و ماهیت و منزلت گفت‌وگو از تبلیغ نیز فراتر است.

گفت‌وگو را می‌توان وسیله تقریب نیز دانست. چنان‌که این دیدگاه سال‌ها در بین مسلمانان و مسیحیان وجود داشته است و نزد آنان سابقه بیشتری دارد. پیروان یک دین یا مذهب در مقابل ادیان و مذاهب دیگر می‌کوشند اختلافات را آن‌گونه بفهمند که اشتراکات را تحت‌الشعاع قرار ندهد و به اشتراکات امکان ورود بدهد تا جو ارتباط و هم‌زیستی مخدوش نشود و به خشونت و جنگ و خونریزی نکشد.

اگر گفت‌وگو دارای سطوحی است که از نازل‌ترین سطح، یعنی گفت‌وگوهای تشریفاتی، شروع شده و تا سطوح عالی، یعنی گفت‌وگوی حقیقت‌محور، طیف‌بندی

می‌شود، ماندن در سطوح نازل آن نقدی اساسی به جریان گفت‌وگو در ایران معاصر خواهد بود. این مسئله یکی از موضوعاتی است که صاحب‌نظران به آن توجه داشته‌اند. یوسف دانشور در سخنرانی‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی گفت‌وگوی ادیان» به این نکته اشاره کرده است. به اعتقاد او، گفت‌وگو چیزی بیشتر از همه مطالب پیش‌گفته است. گفت‌وگو چیزی است که در جهان امروز جاری است؛ واقعیت مسلمی است که فکرها و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را شکل می‌دهد. وقتی این را پذیرفتیم که ما در جریان گفت‌وگو هستیم، باید نظریه‌ای درباره گفت‌وگو بسازیم و درباره این مسئله نظریه‌پردازی کنیم ... زیرا یکی از آسیب‌های گفت‌وگو این است که اگر گفت‌وگو صرفاً مُد تلقی شود، ضابطه‌ها و منطق آن مشخص نخواهد بود (دانشور، ۱۳۹۲).

به نظر می‌رسد آسیب پیش‌گفته در بسیاری از گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی خودنمایی می‌کند. زیرا بسیاری از این گفت‌وگوها بیشتر به مثابه نوعی تشریفات صورت گرفته است و نیز در مواقعی که سطوح بالاتری از گفت‌وگو مد نظر بوده، عمده همت متولیان این عرصه معطوف به «تبلیغ» یا نهایتاً «تقریب» بوده است، که هر دو به تعبیر دانشور از سطوح میانی گفت‌وگو به شمار می‌آیند.

۵. ۴. گسست گفت‌وگوی دینی از گفت‌وگوی تمدنی

رابطه متقابل اسلامی - مسیحی از کیفیت فهم پیروان این دو دین از بنیادهای نظری اسلام و مسیحیت در هر مقطع زمانی متأثر است. اما این تمامی سخن نیست، چراکه خود این مبانی هم تا حدودی در پرتو واقعیت‌های موجود دریافت می‌شوند. این دو (بنیادهای نظری و واقعیت‌های موجود) در طول تاریخ یکدیگر را می‌آزمایند و تجربه می‌کنند؛ اعم از اینکه این تجربه مثبت و دوستانه و همکارانه باشد، یا منفی و خصمانه. مهم این است که این تجربه به ذهنیت و افکار و خاطرات و روح فردی و جمعی آنها شکل می‌دهد. لذا نمی‌توان صرفاً با تکیه بر اصول یا نکاتی که در متون دینی وجود دارد، رابطه پیروان دو دین را، آنچنان که در واقعیت بوده و هست، دریافت. در عمل آنچه تحقق دارد، هم‌نهاد (سنتز) پیچیده و مداومی است بین آن اصول و این تجربیات. لذا باید به هر دو عنصر و کیفیت کنش و واکنش متقابلش توجه داشت، و اینکه در طول زمان این جریان چگونه دگرگون می‌شود و به پیش می‌رود (مسجدجامعی، ۱۳۷۹: ۵۳-۵۵).

آنچه از این مسئله مستفاد می‌شود لزوم توجه به گفت‌وگوی تمدنی در کنار گفت‌وگوی دینی است. گفت‌وگوی تمدن‌ها نظریه‌ای است در سطح روابط بین‌الملل، که اولین بار محمد خاتمی، رئیس‌جمهور اسبق ایران، مطرح کرد. او در اصل، ایده گفت‌وگوی میان تمدن‌ها را به عنوان واکنشی به نظریه جنگ تمدن‌های ساموئل هانتینگتون (Samuel P. Huntington) مطرح کرد. در پی مطرح شدن این نظریه، سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای، سال ۲۰۰۱ را «سال گفت‌وگوی تمدن‌ها» نامید. این در حالی است که در بسیاری از گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی از توجه به بعد تمدنی در کنار بعد دینی غفلت شده است. برخی صاحب‌نظران، در یکی از جلسات ناظر به جایگاه گفت‌وگوی ادیان در فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور، بر این واقعیت تأکید کرده‌اند (اکرمی، ۱۳۸۰: ۶).

به تعبیر محمد مسجدجامعی، که از صاحب‌نظران این نشست بود، اگر بخواهیم با مسیحی سوری، مصری یا عراقی گفت‌وگویی داشته باشیم، کیفیت آن مباحث و عناوین اصولاً کیفیت نوشتن و بحث کردن و بهره‌برداری سیاسی از این گفت‌وگو کاملاً فرق می‌کند با موقعی که می‌خواهید با مسیحی آرژانتینی یا فنلاندی یا اسپانیایی گفت‌وگو داشته باشید. اینها نه به صورت انتزاعی، بلکه در عمل بسیار متفاوت‌اند و اتخاذ یک روش و حتی روش‌های نزدیک به هم، شما را به بن‌بست می‌کشاند. یعنی مسیحی فلسطینی یا اردنی، کم و بیش درباره مسائل ضروری و مبتلابه، مثل خود ما فکر می‌کند و می‌اندیشد. این مسئله را در شاخه‌های مختلف کلیسایی تعمیم دهید و اینکه هر کدام به چه صورت‌اند و مسائل را چگونه درک و احساس می‌کنند (همان: ۷).

در واقع، نقد اصلی در این موضوع، توجه به این نکته است که در گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی در ایران معاصر به تنوع فرهنگی و تمدنی دو طرف گفت‌وگو و مقتضیات و ملزومات آن کمتر اهمیت داده شده است. حال آنکه فرقه‌های مختلف مسیحی، هر یک متعلق به پیشینه‌ای تاریخی و تمدنی هستند و از فرهنگی متفاوت برخاسته و روییده‌اند و نوع متفاوتی از گفت‌وگو را می‌طلبند. با این حال، به نظر می‌رسد گفت‌وگوی دینی در ایران عموماً گسسته از گفت‌وگوی تمدنی بوده است.

۵.۵. فقدان برنامه‌ریزی کلان

با برنامه‌ریزی درازمدت و تشریک مساعی صاحب‌نظران اسلام و مسیحیت، می‌توان

لایه‌های مختلفی از گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت را ترسیم و تدوین کرد. این برنامه می‌تواند از شنیدن اندیشه‌ها و مواضع یکدیگر شروع شود و تا آخرین لایه‌های ممکن، نظیر تشکیل شورای جهانی رهبران اسلام و مسیحیت و تصمیم‌گیری مشترک در گستره مسائل جهانی به پیش رود. در این مسیر، مراحلی همچون تبادل و تفاهم معرفتی و اعتقادی، تصحیح نگرش به یکدیگر، تصحیح مواضع در برابر یکدیگر، تدوین منشور مشترک اسلام و مسیحیت و اتخاذ مواضع مشترک عملی در مسائل جهان معاصر پیش‌بینی می‌شود. اما چنین برنامه‌ای با واقعیت‌های موجود در تجربه گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی در چند دهه اخیر فاصله بسیار دارد.

تجربه گفت‌وگوی اسلامی - مسیحی در دهه‌های اخیر حاکی از آن است که نداشتن نقشه کلان و برنامه عملی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، در کنار چشم‌انداز مبهم گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی، سهم بزرگی در آسیب‌شناسی روند جاری گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی داشته است. تأکید سید محمدعلی ابطحی، رئیس وقت مؤسسه گفت‌وگوی ادیان، بر ضرورت تدوین فهرستی از مباحث گفت‌وگوهای دینی در گستره جهانی (ابطحی، ۱۳۸۶) در واقع یکی از وجوه این آسیب‌شناسی را تداعی می‌کند.

نقصان پیش‌گفته پس از تجربه چندین دوره متناوب گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی توجه مسئولان را برانگیخته و به‌تازگی اقداماتی برای رفع و اصلاح آن صورت گرفته است (حلمی، ۱۳۹۲). با این حال همان‌گونه که عبدالمجید میردامادی در نوشتاری کوتاه از وضعیت گفت‌وگوی ادیان در جمهوری اسلامی ایران خاطر نشان کرده است، همچنان می‌توان «نداشتن طرح کلان علمی برای ورود به حوزه‌های علمی گفت‌وگو به مقتضای قلمرو ادیان و آیین‌ها» را از نقدهای مهم گفت‌وگوهای اسلامی - مسیحی ایران معاصر دانست که خود آسیب‌های دیگری را در پی داشته است (نک: میردامادی، ۱۳۹۰).

نتیجه

گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در نیم قرن اخیر دستاوردهای شایانی داشته است. تحلیل و بررسی اسناد موجود از گفت‌وگوهای اسلام و مسیحیت در ایران معاصر حاکی از حضور برخی محورها و درون‌مایه‌های اصلی در این مجموعه گفت‌وگوها است که تأکید بر مسائل اجتماعی - سیاسی طرفین حاضر در گفت‌وگو، روی آوردن به

زمینه‌های اخلاقی مشترک میان جوامع مسلمان و مسیحی، اهتمام بر همکاری و تعامل در برابر حجمه‌های جهانی‌شدن و عرفی‌گرایی را باید از محورهای مهم آن برشمرد. در نگاهی گذرا ضرورت اصل گفت‌وگو بدیهی می‌نماید، اما به رغم دستاوردهای نسبی که از رهگذر این گفت‌وگوها فراهم آمده است، آنچه در جریان برگزاری نشست‌ها و همایش‌های گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در دهه‌های گذشته جامعه ایران اتفاق افتاده، گویای آن است که این مسیر دشوار و ناهموار، برخلاف تصور اولیه، تا رسیدن به وضعیت مطلوب و نتایج کاربردی و امیدداشتن به اتخاذ بینش‌ها و روش‌های مشترک از سوی عالمان و پیروان اسلام و مسیحیت، راه درازی در پیش دارد. از نظر پژوهش حاضر، راه برون‌رفت از وضعیت موجود بیش از هر چیز در گرو شفافیت بنیان‌های نظری و معرفتی گفت‌وگو، به رسمیت‌شناختن دیگربودگی طرف گفت‌وگو، فراروی از سطوح نازل و تشریفاتی گفت‌وگو، هم‌آمیزی گفت‌وگوی دینی و تمدنی و سرانجام برنامه‌ریزی کلان در این عرصه است.

پی‌نوشت‌ها

۱. لئونارد سویدلر، استاد تفکر کاتولیک و گفت‌وگوی ادیان در دانشگاه تمپل فیلادلفیا و از سرشناس‌ترین صاحب‌نظران گفت‌وگوی ادیان در روزگار معاصر است. بنیان‌گذاری و سردبیری نشریه مطالعات جهانی در سال ۱۹۶۴، بنیان‌گذاری و ریاست مؤسسه گفت‌وگوی ادیان در ۱۹۷۸ و تألیف بیش از ۷۰ اثر در حوزه گفت‌وگو و مناسبات میان‌دینی بخشی از کارنامه علمی وی به شمار می‌رود.
۲. برای نمونه نک: ۱. صلح و عدالت: مجموعه مقالات سه نشست دینی مرکز گفت‌وگوی ادیان با کلیسای ارتدوکس روسیه؛ ۲. دین و دنیای معاصر: اولین گفت‌وگوی مرکز گفت‌وگوی ادیان با شورای جهانی کلیساها؛ ۳. عدالت در روابط بین‌الملل و بین ادیان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و مسیحیت؛ ۴. مجموعه مقالات اولین سمپوزیوم بین‌المللی اسلام و مسیحیت ارتدوکس؛ ۵. گفت‌وگو: مسائل اساسی نظام هم‌زیستی عادلانه از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و مسیحی: ارزش‌ها، حقوق، وظایف.
۳. قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ.

منابع

قرآن کریم.

ابطحی، محمد علی (۱۳۸۶). «نیازمند تدوین فهرستی از مباحث گفت‌وگوهای دینی هستیم»،

اکرمی، سید امیر (۱۳۸۰). *دین و دنیای معاصر: اولین گفت‌وگوی مرکز گفت‌وگوی ادیان با شورای جهانی کلیساها*، ترجمه: حسین مطیعی امین، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

بی، ارل (۱۳۸۸). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه: رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.

بلیکی، نورمن (۱۳۸۴). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۰). «سخنرانی افتتاحیه نشست گفت‌وگوی اسلامی - مسیحی با شورای جهانی کلیساها»، در: *دین و دنیای معاصر: اولین گفت‌وگوی مرکز گفت‌وگوی ادیان با شورای جهانی کلیساها*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ص ۳-۱.

جناتی، محمدابراهیم (۱۳۸۰). «نقش دین در زندگی مسالمت‌آمیز انسان‌ها»، در: *دین و دنیای معاصر: اولین گفت‌وگوی مرکز گفت‌وگوی ادیان با شورای جهانی کلیساها*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ص ۸۵-۹۸.

حسینی میرصفی، فاطمه (ویراستار) (۱۳۸۴). *خانواده و نهاد ارزشی آن از دیدگاه اسلام و مسیحیت ارتدوکسی و همزیستی مسالمت‌آمیز از نظر اسلام و مسیحیت ارتدوکسی*؛ مجموعه مقالات، تهیه و تنظیم: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

حلمی، علی محمد (مصاحبه‌شونده) (۱۳۹۲). «گزارش فعالیت‌های مرکز گفت‌وگوی ادیان». در: *وبسایت رسمی مرکز گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها*، به آدرس: <http://www.cid.icro.ir>.

خاتمی، محمد (۱۳۷۳). «سخنرانی افتتاحیه اولین سمپوزیوم اسلام و مسیحیت ارتدوکس»، مجموعه مقالات *اولین سمپوزیوم بین‌المللی اسلام و مسیحیت ارتدوکس*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، ص ۱-۴.

خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۸۰ الف). «سخنرانی افتتاحیه اولین نشست مرکز گفت‌وگوی ادیان با شورای جهانی کلیساها»، *دین و دنیای معاصر: اولین گفت‌وگوی مرکز گفت‌وگوی ادیان با شورای جهانی کلیساها*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ص ۱۷-۲۱.

خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۸۰ ب). «موضوع دین و مفهوم انسان»، *دین و دنیای معاصر: اولین گفت‌وگوی مرکز گفت‌وگوی ادیان با شورای جهانی کلیساها*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ص ۴۷-۵۱.

دانشور، یوسف (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی گفت‌وگوی ادیان»، سخنرانی در همایش «امکان، اخلاق و آسیب‌شناسی گفت‌وگوی ادیان».

رسولی‌پور، رسول (مصاحبه‌شونده) (بی‌تا). «بررسی و نقد گفت‌وگوی ادیان در ایران معاصر»، (در دست انتشار).

رشاد، علی‌اکبر (۱۳۷۴). «سخنرانی اختتامیه»، در: *عدالت در روابط بین‌الملل و بین ادیان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و مسیحیت*، دبیرخانه گفت‌وگوی بین ادیان معاونت آموزشی و پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛ مؤسسه الهی مذهبی سنت گابریل اطریش، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ص ۴۷۳-۴۷۶.

- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۳). «شرایط و قواعد گفت‌وگوی فکری- فرهنگی»، صلح و عدالت: مجموعه مقالات سه نشست دینی مرکز گفت‌وگوی ادیان با کلیسای ارتدوکس روسیه، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ص ۱۹۸-۲۰۰.
- السید، رضوان (۱۳۸۳ الف). «نگاهی به مجادلات مسلمانان و مسیحیان»، ترجمه: حمیدرضا شریعتمداری، در: گروه مؤلفان، از برخورد تا گفت‌وگو؛ مقالاتی درباره مناسبات اسلام و مسیحیت، تهران: لوح فکر، ص ۲۲۵-۲۵۸.
- السید، رضوان (۱۳۸۳ ب). «نگرش مسلمانان به مسیحیت در قرون میانه»، ترجمه: حمیدرضا شریعتمداری، در: گروه مؤلفان، از برخورد تا گفت‌وگو؛ مقالاتی درباره مناسبات اسلام و مسیحیت، تهران: لوح فکر، ص ۷۱-۱۰۴.
- شارپ، اریک (۱۳۸۶). «یک قرن گفت‌وگوی ادیان»، ترجمه: محمدحسین محمدپور، در: اخبار ادیان، ش ۲۴ و ۲۵، ص ۹۰-۹۸.
- طاهری آردی، محمدحسین (۱۳۸۷). پیشینه تاریخی گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی.
- غراب، سعید (۱۳۸۳). «اسلام و مسیحیت»، ترجمه: حمیدرضا شریعتمداری، از برخورد تا گفت‌وگو: مقالاتی درباره مناسبات اسلام و مسیحیت، تهران: لوح فکر، ص ۱۰۵-۱۲۸.
- فرخجسته، هوشنگ و دیگران (ویراستاران) (۱۳۷۴). مجموعه مقالات سومین سمپوزیوم بین‌المللی اسلام و مسیحیت ارتدوکس، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
- قنبری، اکبر، و دیگران (۱۳۸۰). گفت‌وگو: مسائل اساسی نظام هم‌زیستی عادلانه از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و مسیحی: ارزش‌ها، حقوق، وظایف، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- مجموعه مقالات اولین سمپوزیوم بین‌المللی اسلام و مسیحیت ارتدوکس (۱۳۷۳). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
- مسجدجامعی، محمد (۱۳۷۹). گفت‌وگوی دینی - گفت‌وگوی تمدنی: اسلام و مسیحیت در دوران جدید، تهران: پورشاد.
- میردامادی، عبدالمجید (۱۳۹۰). گفت‌وگوی ادیان در جمهوری اسلامی ایران، اسناد هم‌اندیشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- میردامادی، عبدالمجید (مصاحبه‌شونده) (بی‌تا). «بررسی و نقد گفت‌وگوی ادیان در ایران معاصر»، (در دست انتشار).
- میردامادی، عبدالمجید، و دیگران (۱۳۷۴). عدالت در روابط بین‌الملل و بین ادیان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و مسیحیت، دبیرخانه گفت‌وگوی بین ادیان معاونت آموزشی و پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی [مؤسسه الاهی مذهبی سنت گابریل اطریش]، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- میرزایی، خلیل (۱۳۹۰). پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- میشل، توماس (۱۳۸۷). کلام مسیحی، ترجمه: حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

- نصر، سید حسین (۱۳۸۳). «گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت»، در: هفت آسمان، ش ۲۱، ص ۹۱-۱۲۰.
واعظی، اصغر (۱۳۸۳). *صلح و عدالت: مجموعه مقالات سه نشست دینی مرکز گفت‌وگوی ادیان با کلیسای ارتدوکس روسیه*، ترجمه: یوری ملحمی و آلکسی پیلین‌کو، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- Ayoub, Mahmoud (2004). "Christian-Muslim Dialogue: Goals and Obstacles," *The Muslim World*, vol. 94, pp. 313-319.
- Beverluis, Joel (2000). *Sourcebook of the World's Religions: an Interfaith Guide to Religion and Spirituality*, Novato: New World Library.
- Brown, Daniel S. (2013): *A communication Perspective on Interfaith Dialogue: Living within the Abrahamic Traditions*, Maryland: Rowman & Little field.
- Cornille, Catherine (2013). "Conditions for Inter-Religious Dialogue", *The Wiley-Blackwell Companion to Inter-Religious Dialogue*, New York: John Wiley & Sons.
- Declaration on the Relation of the Church to non-christian Religions - Nostra Aetate* (1965).
See: http://www.vatican.va/archive/hist_councils/ii_vatican_council/documents/vat-ii_decl_19651028_nostra-aetate_en.html
- Hedges, Paul (2010). *Controversies in Interreligious Dialogue and the Theology of Religions*, London: SCM Press.
- Michael, Pope (2011). *54 Years That Changed the Catholic Church: 1958-2012*, Lexington: Create Space Independent Publishing Platform.
- Muhammad Shafiq, Mohammed Abu-Nimer (2007). *Interfaith Dialogue: A Guide for Muslims*. Beirut: International Institute of Islamic Thought.
- Siddiqui, Ataullah (2011). "The Presence of 'Secular' in Christian-Muslim Relations: Reflections on the Da'wah, 'Mission' and 'Dialogue' ", Anthony O'Mahony and Ataullah Siddiqui (eds.), *Christians and Muslims in the Commonwealth*, London: Altajir World of Islam Trust.
- Smith, Jane I. (2007). *Muslims, Christians, and the Challenge of Interfaith Dialogue*, New York: Oxford University Press.
- Sullivan, Francis A. (2002). *Salvation outside the Church: Tracing the History of the Catholic Response*, Wipf and Stock Publishers.
- Swidler, Leonard; Mojzes, Paul (1991). *Attitudes of Religions and Ideologies toward the Outsider: The Other*, Conference entitled "How Believers Account for Other's Beliefs", Edvin Mellen Pr.
- Tavassoli, Sasan (2011). *Christian Encounters with Iran: Engaging Muslim Thinkers after the Revolution*, London: I. B. Tauris.
- The First International Symposium on Orthodoxy and Islam* (1994). Tehran: Center for International and Cultural Studies.
- <http://www.cid.icro.ir>

